

دروود بر تمامی زنان مبارز و درود بر همبستگی بین‌المللی آنان!
توضیح "پیام فدایی": آنچه در زیر می‌آید متن سخنرانی رفیق مرضیه در مورد شرایط زندگی و کار زنان کارگر، تحت حاکمیت رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی است که در جلسه ای که در تاریخ شنبه ۲۱ اسفند ماه برابر با ۱۲ مارچ توسط چریکهای فدایی خلق ایران در "کلاب هاوس" برگزار گشت، ایراد شد. "پیام فدایی" این سخنرانی را از گفتار به نوشتار تبدیل کرده و به این وسیله در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد.

با دروودهای بسیار به تمامی شرکت‌کنندگان در این نشست و با بزرگداشت یاد و خاطره تمامی مبارزان توده‌های خلقهای ما.

بختی که من امروز می‌خواهم ارائه بدم مربوط به شرایط زندگی زنان کارگر و تهدیدست ایران و نقش اونا در جنبش‌های اجتماعی و این که از چه طریق و با انجام کدام مبارزات می‌شه به ظلم و ستم‌های بی‌حدی که به این زنان می‌شه، پایان داد.

همانطور که همه می‌دانید کارگران سرزمین ما در خلال بیش از ۴۳ سال حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی که مدافع سیستم سرمایه‌داری و وابسته به امپریالیسم است، مورد بهره‌کشی و در همان حال سرکوب ارگان‌های مختلف این رژیم قرار گرفته‌اند. اما در این میان زنان کارگر از سویی به خاطر کارگر بودنشان و از سوی دیگر به دلیل جنسیت‌شان مورد استثمار و ظلم و ستم قرار دارند. به واقع به زنان کارگر ما، ستم مضاعف وارد می‌شود. اگر نگاهی حتی گذرا به شرایط بسیار نامناسب و بهره‌کشانه زنان کارگر در ایران بیاندازیم، می‌بینیم که رژیم جمهوری اسلامی به مثابه یک رژیم مدافع سرمایه‌داری چه شرایط غیرقابل‌تحملی را به آنها تحمیل کرده است. به موجب آمار رسمی امروز تنها ۵ درصد از زنان کارگر در کارخانه‌های بزرگ و تولیدی رسمی مشغول به کار هستند و درست از این‌رو بخش عمده آنان در کارگاه‌های تولیدی کوچک که کمتر از ۱۰ نفر کارگر دارند مشغول به کار هستند. این کارگاه‌ها که در زمان ریاست جمهوری خاتمی از مشمول قانون کار خارج شدند، از هیچ حمایت قانونی برخوردار نیستند و در نتیجه کارفرما به هر صورت که بخواهد آنها را مورد استثمار و حشیشانه قرار می‌دهد. آنها با قراردادهای موقت و سفید امضا کار می‌کنند و به ناچار مجبور به قبول حداقل دستمزد که بسیار زیر خط فقر قرار دارد هستند. در همین حال هم پرداخت دستمزدهای ناچیز آنها ماه‌ها به عقب می‌افتد. این زنان کارگر از بخش عمده امکاناتی که کارگران ایران در اثر مبارزات خود توانسته‌اند از بهره‌کشان بگیرند محروم هستند. آنان دارای هیچگونه بیمه‌ای نیستند و از هیچ ارگانی مورد حمایت قرار نمی‌گیرند. عدم پوشش خدمات اجتماعی و درمانی در کارگاه‌های کوچک کاملاً حکمفرماست. زنان کارگر ما ناچار هستند که در دوران زایمان بدون دریافت هیچ حقوق و یا کمک هزینه زندگی در خانه بمانند. ناپیمنی اقتصادی به حدی است که این زنان در شرایط بیکاری و سالمند شدن راهی به جایی ندارند.

بخش بسیار بزرگی از زنان طبقات محروم جامعه نیز به صورت خدمتکار با دستمزد بسیار کم و بدون کوچکترین تور محافظتی همانند بیمه، کمک هزینه هنگام بیماری و یا بیکاری ناچار به کار شدید و برآوردن خواسته‌های اربابان سرمایه هستند. این واقعیت به آن انجامیده است که بسیاری از آنان از ترس اخراج و از دست دادن معیشت ناچیز خود برای خود امکاناتی برای اعتراض ندیده و ناچارند که بسیاری از تحمیلات و حشیشانه سرمایه‌دار و نوگران آن را تحمل کرده و برای از دست ندادن برکه باریکی که برای نمردن خود و فرزندان خود در اختیار دارند اعتراضی نکنند. این زنان کارگر به خوبی می‌دانند که هر گونه اعتراض و بیان خواسته‌هایی که حق طبیعی آنان است، می‌تواند به اخراج آنان و بدتر شدن شرایط آنان منجر شود.

به موجب آمار رسمی، ۸۰ درصد زنان کارگر در صنعت قالبیافی مشغول به کار هستند. آمار مشابه برای صنایع دستی ۷۵ درصد و در تولیدات کشاورزی ۴۰ درصد است. زنان کارگر معمولاً هر روز بین ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار می‌کنند و حقوقی بسیار کم دریافت می‌کنند. علاوه بر این آنها ناچارند که هر روز به محیط کاری قدم بگذارند که سرشار از خشونت است. یعنی زنان کارگر در محیط کار، با شرایط ایمنی بسیار بدی مواجه هستند. از جمله خطر تجاوزات جنسی به گونه‌های گوناگون آنها را تهدید می‌کند و به آنان تحمیل می‌شود. تازه اینها یک روی ماجراست چرا که تمامی قوانین و مقررات اجتماعی ضدزن رایج در جمهوری اسلامی که بر مبنای نیازهای سرمایه و بر پایه اندیشه‌های ارتجاعی و مذهبی بنا شده است بر آنان اعمال می‌گردد.

درست از این‌رو خواسته‌های زنان کارگر جامعه ما تنها خواسته‌هایی صنفی و اقتصادی است بلکه نگاه به خواسته‌های اجتماعی نیز دارد و آنان خواستار رفع همه تبعیضاتی هستند که بر زنان در جامعه اعمال می‌شه و واقعاً زندگی را بر زنان به خصوص زنان کارگر و تهدیدست بسیار سخت و طاقت فرسا کرده.

در خلال سالهای گذشته هم فشار وارد شده بر زنان ما بسیار بیشتر شده. برآورد شده است که در دوران کرونا ۷۰ درصد از زنان کارگر ما در بخشهای تولیدی بیکار شده‌اند. امکاناتی که در اختیار زنان زحمتکش ما برای حفظ جان آنان از خطر کرونا گذاشته شده بسیار ناچیز است و بسیاری از زنان کارگر ما برای تامین معاش و هزینه درمان و دارو خود و افراد دیگر خانواده خطر مرگ را به جان خریده و کار می‌کنند. سردمداران دزد و جنایتکار جمهوری اسلامی حتی حقوق کامل به پرستاران بخش درمانی که فداکاری‌های بسیاری کرده‌اند پرداخت نمی‌کنند و با

قراردادهای موقت ۸۹ روزه آنها را غیر رسمی به حساب آورده و حقوقی بسیار کمتر از حقوق رسمی به زنان پرداخت شود. این پرستاران، از مزایای دیگری هم که هر چند ناچیز به پرستاران رسمی تعلق می‌گیرد محروم هستند.

از دیگر بخش‌های زنان زحمتکش می‌توان از زنانی که در سوپرمارکت‌های بزرگ کار می‌کنند، یاد کرد. اینها که هنوز موقعیت شغلی خود را از دست نداده‌اند، متحمل فشار کاری بسیار و استرس بیش از حد هستند و کارفرمایان آنان با استفاده از شرایطی که زنان کارگر ناچار به تحمل آن هستند، فشارها را بسیار بیشتر کرده‌اند.

درست با توجه به نکاتی که در رابطه با شرایط کار زنان کارگر و زحمتکش به آنها اشاره کردم، حالا تعداد زنان دستفروش بسیار زیادتر از گذشته شده است. به عنوان نمونه می‌توان در خیابان‌های شهر شیراز زنان بسیاری را دید که با فاصله بسیار کم از هم در گوشه‌های نشسته و به امید فروش کالایی و بردن سودی بسیار ناچیز ساعات بسیار را در گوشه خیابان می‌گذرانند.

اوج استثمار که سرمایه‌داری حاکم بر زنان کارگر ایران تحمیل کرده باعث شده که ما با پدیده‌های جدیدی که قبلاً سابقه نداشت روبرو بشویم. مثلاً در برخی از مناطق کشور مانند لرستان زنان برای گرفتن کاری روزانه و موقتی به میدانهای شهر می‌روند و در کنار خیابان می‌ایستند تا مگر کارفرمایی که نیاز به نیروی کار روزانه دارد به آنان کار بدهد. این یک نمونه است که نشان می‌دهد تا آنجا که موضوع بر سر استثمار است، رشد سرمایه‌داری در جامعه ایران، شرایط موجود مرز بین زن و مرد در محرومترین بخشهای جامعه را شکسته و زنان ناچار شده‌اند که نیروی کار خود را در شرایطی که پیش از این از دید اجتماعی مورد قبول نبود به فروش برسانند.

فراموش نکنیم که در جامعه ما هنوز برخی از کارها مانند کار در صنایع بزرگ فولاد و ذوب آهن کارهایی مردانه به شمار می‌آید و اساساً میلیونها زن محروم جامعه ما از کار در کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی بزرگ محروم شده‌اند. در نتیجه به ناچار اغلب در بخش‌های خدماتی و خانگی کار می‌کنند. مثلاً کار خانگی می‌کنند، از کودکان و سالمندان نگهداری می‌کنند و متاسفانه شرایطی دارند که کاملاً وابسته به افرادی هستند که آنها را استخدام کرده‌اند. آنها هم با آگاهی به وجود تعداد زیادی از زنان کارگر جویای کار، اغلب به این زنان کارگر اجحاف کرده و حتی پولشان را می‌خورند. چرا که می‌دانند که زنان کارگر این امکان را ندارند که بتوانند از اجحاف وارده به فرد و یا جایی شکایت کنند. زنان ستمدیده ما به خوبی می‌دانند که اگر به هر دلیل کار خود را از دست بدهند، پیدا کردن دوباره کار برایشان بسیار مشکل خواهد بود. در انتظار زنان زحمتکش جامعه ما کارهای کوتاه‌مدت، با قراردادهای موقت و با دستمزدی بسیار پایین وجود دارد.

استثمار زنان کارگر در ایران با وجود مزد نابرابر برای کار برابر بسیار شدیدتر از بسیاری از جوامع دیگر است و بی‌ثباتی شغلی زنان زحمتکش ما خود به کاهش دستمزدهای واقعی آنان انجامیده و شرایط را بسیار نامناسب‌تر کرده است. به همین دلیل است که زنان ستمدیده ما برای تامین معاش ناچار به تحمل وحشیانه‌ترین استثمارها می‌شوند و در این میان از هیچ حق و حقوق قانونی برخوردار نیستند. به علت وجود سرسام‌آور نیروی ذخیره کار، مزد زنان کارگر دائماً پایین نگه داشته می‌شود و بدینگونه این زنان کارگر هستند که ناچار می‌شوند بخش بزرگی از بهای سنگین تورم و گرانی لجام‌گسیخته در کشور را بپردازند.

کمتر از یک هفته دیگر نوروز است اما سردمداران ردل و جنایتکار جمهوری اسلامی مزایای عیدی را از زنان شاغل و باز نشسته حذف کرده‌اند؛ ۵۰۰ هزار تومان حق همسر و ۱۵۰ هزار تومان حق اولاد از فیش حقوقی زنان کسر شده و این در حالیست که بسیاری از زنان کارگر ما سرپرست خانوار هستند. در نتیجه فرزندان زنان سرپرست خانواده ناچار به جمع کودکان کار می‌پیوندند.

نگاهی هم به یکی از محرومترین بخشهای جامعه، به سیستان و بلوچستان بیندازیم: زمانیکه سیل ۷۰ درصد خانه‌ها را در کنار چابهار بلوچستان غیرقابل سکونت کرده بود یک زن محروم بلوچ با شدت درد ولی بدون ترس در حالیکه با بچه‌هایش تا زانو در آب بودند فریاد می‌زد "اینجا کسی به داد ما نمی‌رسد. شهردار، فرماندار، شورا، هلال احمر همه و همه دزد هستند.

آری اکنون دیگر کار به جایی رسیده که زنان و مردان به‌جان آمده در همه جای سیستان و بلوچستان و هرمزگان می‌گویند که هم خشکسالی و هم سیل حاصل سیاست حکومت است و چاره‌ای جز جنگ با این حکومت نداریم. آری گویی شروعی تازه در راه است.

اجازه می‌خواهم که به دو نمونه از فجایعی که به زنان ما تحمیل شده اشاره بکنم. یکی این نمونه است: مرضیه طاهریان زن کارگری بود که در یک کارگاه کوچک کار می‌کرد. در این کارگاه هیچ شرایط ایمنی در نظر گرفته نشده بود و مرضیه و دیگر زنان همکار او اجازه نداشتند که از لباسی که مناسب با شرایط کار آنان باشد استفاده کنند. در این شرایط بود که چادر مرضیه در حین کار به دستگاهی که در کنار آن کار می‌کرد گیر کرده و متاسفانه مرضیه جان خود را از دست داد.

نمونه دیگر مربوط به فشارهای وحشتناکی است که در زندانهای رژیم به زنان معترض ما وارد می‌شود. خبری حاکی از آن است که دو زندانی سیاسی با رضایت کامل زندانبانان، توسط زندانبانان متهم به جرائم عمومی مورد

ضرب و شکنجه قرار گرفتند. زندانیان سیاسی ما در نبود پزشک و دارو، غذای مناسب، در بندهای کثیف و غیر بهداشتی به سر می‌برند و ناچارند شاهد نگهداری بیماران کرونایی در کنار افراد سالم باشند.

حال اگر در چنین شرایطی به شرکت زنان در جنبش‌های اجتماعی بپردازیم، شاهد حضور چشمگیر زنان در این مبارزات هستیم و شاهدیم که آنها اغلب در صف اول مبارزه قرار می‌گیرند و با شجاعت به ایراد سخنرانی‌های رادیکال و پر محتوا هم دست می‌زنند. یک نمونه، سخنرانی یکی از معلمان زن در بندرانزلی به خوبی نشانگر وضعیت اقتصادی زنان جامعه ما و درک درست آنها از این امر است که جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان و نوکر غارتگران می‌باشد. او در سخنان خود از جمله می‌گوید: ما بانک ملی و صندوق بازنشستگی را چپاول نکرده‌ایم؛ ما اسناد مهم مملکتی را از کشور بیرون نبرده ایم، ما ویلا در کانادا نداریم، بروید یقه غارتگران و چپاولگران را بگیرید!

یا یک زن معلم دیگر در تظاهرات معلمان طنز گونه این طور گردانندگان جمهوری اسلامی را مورد خطاب قرار داد. او گفت:

«اگر کسی اخلاق در امنیت ملی کرده، اگر کسی تشویب اذهان عمومی کرده، اگر کسی این قانون را زیر پا گذاشته، نیروهای امنیتی و انتظامی! اگر می‌خوان اون فرد رو دستگیر کنن، من آدرس مستقیم بهشون میدم: تهران_میدان بهارستان_مجلس شورای اسلامی!» و در ادامه می‌گوید: «اون نماینده ای که میگه اجرای رتبه بندی بار مالی داره و باعث افزایش تورم میشه، اون اخلاق در امنیت ملی می‌کنه، چون اون ما رو عصبانی می‌کنه، ما بیکار نیستیم هر پنجشنبه بلند شیم بیایم اینجا جمع کنیم».

این نمونه و نمونه‌های بسیار دیگر نشان می‌دهد که با وجود اینکه رژیم جمهوری اسلامی تلاش کرده است که زنان را از تمامی عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در جامعه حذف کند و به کنج خانه‌ها بکشد ولی زنان مبارز ایران نشان می‌دهند که در هر مبارزه توده ای در صف مقدم قرار دارند. ما دیدیم که زنان در اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان‌ماه ۱۳۹۸ چه حضور چشم‌گیری داشتند. حتی شاهدیم که زنان ما در بسیاری از حرکت‌های مبارزاتی رهبریت حرکت را به دست گرفته‌اند و درست از این‌رو بسیاری از آنها دستگیر شده و به زندان افتاده‌اند. با این حال و با وجود اینکه دیکتاتوری حاکم اساساً هر حرکت مبارزاتی را زیر ضرب قرار داده، حضور زنان در جنبش‌های کارگران، آموزگاران، دانشجویان، بازنشستگان و در دفاع از آزادی‌های مدنی و سیاسی و از جمله در مورد مبارزه با تبعیض علیه زنان چشمگیر است. در چنین وضعی با توجه به اینکه سازمان دادن حرکت‌های سیاسی برای زنان نسبت به مردان آسان‌تر است، رژیم تبلیغات عظیمی علیه حضور زنان و به ویژه آموزگاران در اعتراضات اجتماعی به کار گرفته است.

رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی برای حفظ منافع سرمایه‌داران داخلی و اربابان امپریالیست آنها که در جهان قدرت دارند میلیون‌ها زن و مرد کارگر را در چنگال فقر و بدبختی نگهداشته؛ و این شرایط ناهنجار در مورد زنان کارگر بسیار سخت‌تر و فاجعه‌بارتر است. نظام سرمایه‌داری عامل اصلی زندگی اسفناک زنان کارگر و ستمدیده ماست و درست از این‌رو باید تمامی ما در راه از بین بردن این شرایط فعالیت کنیم. لازمه انقلابی بودن در جامعه ما، در درجه اول ضد سرمایه‌داری بودن است. هر روز هم که می‌گذرد تعداد بیشتری از جامعه ستمدیده ما به این جمع‌بندی می‌رسند که مشکل زنان ما را اصلاح و رفرم نظام سرمایه‌داری حل نمی‌کند و راهی جز نابودی ریشه‌های نظام وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نمانده است.

نظام سرمایه‌داری برای کسب سودآوری بیشتر مزد زنان را تا نهایت امکان پایین نگه می‌دارد و با استفاده از این شیوه ضدانسانی مزد کارگران مردان را نیز کاهش می‌دهد و به این ترتیب به ناچار شکل کار کودکان برای خانواده‌های زحمتکش به وجود می‌آید. این وضع تنها با محو مالکیت خصوصی و کار مزدی سیستم سرمایه‌داریست که این شرایط دردناک از بین می‌رود. سرکوب‌ها، زندان و شکنجه رژیم که به دنبال اعتراض میلیون‌ها کارگر استثمارشده صورت می‌گیرد برای ستمدیدگان ما مشخص کرده که تنها با مبارزه پیگیر طبقاتی می‌توان در برابر رژیم ایستاد و جنگید. چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است و باید دید از چه طریق می‌توان به این امر مهم دست یافت.

از یاد نبریم که وظایف و منافع کارگران زن جدا از وظایف و منافع کارگران مرد نمی‌باشد. تمامی مسائل مربوط به منافع کارگران زن در باره کارگران مرد هم صادق است و درخواست‌های مشترک زحمتکشان در مبارزات آنها علیه استثمارکنندگان، سرمایه‌داران نمودار می‌شود. در عین حال که زنان کارگر به دلیل محرومیت‌هایی که به خاطر زن بودنشان متحمل می‌شوند خواست‌های خاص خود را نیز دارند. اما این واقعیت نباید باعث شود که زنان از مبارزه طبقاتی دور بمانند چرا که تنها با مبارزه برای رهائی از سیستم ظالمانه سرمایه‌داری است که زنان می‌توانند به حقوق خاص خود و آزادی دست یابند. در غیر این صورت زنان به سوی راه نادرست مبارزه میان دو جنس رانده می‌شوند. شرکت زنان در جنبش انقلابی، نه تنها برای خود زنان و برابری کامل آنها با مردان، بلکه برای پیشبرد اهداف تمامی زحمتکشان و استثمارشدگان ضروری است. فراموش نکنیم که بدون شرکت عظیم زنان زحمتکش، انقلاب سوسیالیستی نمی‌تواند وجود داشته باشد.

امروز مبارزه برای سرنگونی رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی اولین قدم برای نابودی سیستم سرمایه‌داری در ایران و رفع ستم‌ها و تبعیضات گوناگون علیه زنان می‌باشد.

بکوشیم در این راه قدم‌های هر چه مؤثرتری برداریم.

ممنون از شما که به این بحث گوش دادید.